

صورت مشروح

تذکرہ مجلس

(۱۹۱۵ء تا ۱۹۱۷ء)

۱۶ فروری ۱۳۱۳ھ - ۲۲ دسمبر ۱۳۱۲ھ

تذکرہ مجلس

تعمیرت اجراء (سابقہ) : ۱۹۱۷ء تا ۱۹۱۵ء
تعمیرت اجراء (موجودہ) : ۱۹۱۷ء تا ۱۹۱۵ء

۱۹۱۷ء

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۴ آبرماه ۱۳۱۳ # (۲۲ ربیع الاول ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) مذاکره راجع باستقبال از هوکب همایونی
- ۳) مورد اول لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی
- ۴) تقدیم يك نمره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه
- ۵) لایحه مورد لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی
- ۶) رونق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پنجشنبه ۷ آبرماه را آقای ولید احمدی (منشی) قرائت نمودند # #

۱ - تصویب صورت مجلس

ولیس - آقای اعتبار

اعتبار - بود از تصویب صورت مجلس

ولیس - در صورت مجلس نظری نیست (خیر) صورت

مجلس تصویب شد .

۲ - مذاکره راجع باستقبال از هوکب همایونی

ولیس - آقای اعتبار

اعتبار - مطابق اطلاعات واصله در آفرینیه آه و کب مبارک بندگان

اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه بفرموده ایشان تزلزل اجلان

خوآند فرورد چند صباحی را که شاهنشاه معظم برای مصالح

پیشتر و همفکری به ملک دولت همچار عزیمت فرموده بودند

این وفارقت برهات ایران و ماها که ظاهر آن هستیم اس وقت

و نا گوار گذشت (صحیح است) و اینکه که املاهی هوکب

مبارک سعادت بفرمایند ارزش و ندیم هر چه زود تر ولو

يك دایم هم باشد بفرمانت وجود مبارکشان نابل داریم

(صحیح است) و در مراجعت سعادت التزام رکاب همایونی

را داشته باشیم (صحیح است) بنا بر این از مقام منبع

دعایت محترم مجلس شورای ملی تهنیتی داریم که برای تشکیل

جلسات و کمیسیون ها تاخیری قائل شوند که عموداً امروز

حرکت کرده و بدرک این شرافت نال داریم (صحیح است)

عین مذاکرات مشروح فوق و یکمین جلسه از دورا نهم تقنینیه (مطابق نمره ۶۳۵ شماره ۱۲۲۱)

دایره تدوین و نشر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شد :

- غایتی بی اجازه - آقایان : نازی - مجاری - اعظم زنکنه - مسعود تهرانی - حاج تقی آقا و جاب زاده - پونسی آقا و باب زاده
- کرکائی - حاجی - کورس - هراتز - همدانی
- در آردگن بی اجازه - آقایان : دکتر ابراهیم اعلم - امدی - بیات - اوفندیاری - شریعت زاده - قرا گوزلو - همدانی .

ولیس - این ادبانی عروبت دارد - (صحیح است) تمام نمایندگان به بنده مراجعه و رفتن خودشان را ناسرحد آرزو نمودند (صحیح است) و شتاب داشتند هر چه زودتر بزیارت شاهنشاه محسوب خودشان نایل شوند (صحیح است) باقیان گفتیم صحیح است که ادبانی ما زیاد و برای ادراك این عراک عاجله و رغبت ما بیش از حساب است. ولی ما لایحه این احسانات و بالای این ادبانی ها نفاذ امر و اطاعت بفرمانها ایشان است (صحیح است) قبل از تشریف فرمائی قاضی نمایندگان به عرض رسید که همه استعجاله میکنند در رکاب مبارک پسرحد آمده و تا مراجعت منتظر مقدم شاهانه بوده و در معارفت سعادت التزام رکاب را داشته باشند منع و نهی فرمودند. و فرمودند پول دارم که هر کس بکار خود مشغول باشد و این مسافرت را يك مسافرت داخله تلقی نماید. در این فرمایش هاو کانه اشاره بهودت و پگتگی با دولت ترکیه و ابراز علاقه به دوام و مراقبت در کارها بود. این است که پانام همچنانها و آرزو نمندیها تاگربریم فرمایشات شاهانه را اطاعت و باینچه اراده و رضای ایشان است تسلیم بوده و از سعادت که در استقبال و کوب شاهانه داشتیم محروم و بانتظار مقدم ابدان بکارهایی که فرموده اند مشغول باشیم.

ولیس الورواک - بنده هم عرض مزید استحضار خاطر محرم آقایان عرض میکنم که البته هم احسانات قلبی دارم بهم و هم برای هیئت دولت وظایف و تکالیف این بود که در موقع مسافرت و کوب هاو کانه سعادت و در موقع تشریف فرمائی استقبال کنیم. لکن آقایان محترم سابقه و عناد اعلیحضرت همایونی را خوب میدانند و میدانیم که از هیچ نکته غفلت نباید فرمایند (صحیح است) از این جهت قبل از عزیمت مخصوصاً به هیئت دولت فرمودند من راضی نیستم به مشایبت و به استقبال کنید و البته میدانید که عطفه اعلیحضرت همایونی این است که بوزن طریق اظهار احسانات نسبت بوجود مدس اینان این است که کار کنان مالکیت بوظائف خودشان مشغول باشند (صحیح است) و البته مشایبت

و استقبال بلکه استقبال به تنهایی يك هفته اتلاوقات را مشغول خواهد نمود و اعلیحضرت همایونی راضی شدند که ما يك هفته امور و وظائف خودمانرا مهمل بگذاریم و باین تفریفات پردازیم. از این نظر که وسببکی به کارهای ما کنی بهز بود این امر را فرمودند. و همانطور که آقای ولیس فرمودند از آنجائی که امر مبارک شاهنشاه اطاعتش واجب تر است ما هم از استقبال صرف نظر میکنیم این نعمت را برای استحضار خاطر آقایان عرض کردم. البته احسانات ما و احسانات ملت بجای خودش است هر کس در جای خودش هر طور که بیل دارد ابراز میکند ولی ما از استقبال مطابق امر سریع هاو کانه ممنوع هستیم.

۳ - شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی

ولیس - خبر از کمیسیون اقتصاد ملی راجع به اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی (بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون اقتصاد ملی در جلسات عدیده با حضور آقایان رئیس الوزراء و رئیس اداراتکل تجارت لایحه نمره ۲۰۸۲ دولت واجع باصلاح قانون اصلاح قانون انحصار تجارت را نسبت به تصدیق صدور نعت شور و مذاقه کامل قرار داده و در نتیجه مواد آنرا بطریق ذیل اصلاح و اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم میدارد:

ماده اول - فقره (ج) از ماده ششم قانون اصلاح قانون انحصار تجارت مورخه ۱۹ آبر ماه ۱۳۱۱ بطریق ذیل اصلاح میشود:

ج - دارندگان تصدیق صدور که بخواهند آنها را به فروش برسانند باید قبل از انقضای مدت قانونی تصدیق صدور که يك سال است بدوالت بفرشند و دولت مکلف است به بعضی ارائه بقیمت معین و بوعده که از سه ماه تجاوز نکند خریداری نماید این قیمت را دولت اعلان میکند و قبل از انقضای مدت یکسال لااقل باید قیمت آنرا کر نماید.

ماده دوم - فقره (ه) از ماده ششم قانون فوق الذکر بطریق ذیل اصلاح میشود

- ۵ - برای اجناس ذیل تصدیق صدور داده نخواهد شد
 - ۱ - مواد نفتی
 - ۲ - محصولات دیلات
 - ۳ - نمک پست و جواهرات و نبروزه
 - ۴ - اشباه عقیقه و عقیقه نما
 - ۵ - پرده های نقاشی اعم از روغنی و آب و رنگ
 - ۶ - مازوج
 - ۷ - کتب اعم از خطی و چاپی و سایر مطبوعات
- ماده سوم - باخر ماده هشتم قانون سابق الذکر يك فقره اضافه میشود باین مضمون:

ح - تصدیق صدور که وارد کنندگان باید برطبق فقره (ب) از این ماده بدرخواست خود منضم نمایند از دولت خریداری خواهند کرد قیمت فروش تصدیق صدور را دولت قبلاباید اعلام نماید و در ظرف مدت یکسال لااقل باید قیمت آنرا اضافه نماید

مدت اعتبار قانونی تصدیق صدور پس از خریداری دولت نا محدود خواهد بود

تبصره - در صورتیکه دولت بخواهد پس از مدت یکسال قیمت خرید و یا فروش تصدیق صدور را تغییر دهد مکلف است سه ماه قبل مطنه را اعلام نماید

ماده چهارم - عایداتی که از تفاوت قیمت خرید و فروش تصدیق های صدور برای دولت حاصل میشود منحصرأ بمصارف ناشیه از مقررات این قانون و مساعدت باشخاص و مؤسساتی که وجبات ترفی و رواج اجناس صادراتی مملکت را فراهم میآورند خواهد رسید

ترتیب اقدامات برای حصول این منظور در نظامنامه جداگانه که هیئت دولت تنظیم خواهد نمود تعیین شده و قبلاباطلاع عامه خواهد رسید.

دولت میتواند باعتبار عایدات مزبور بابانگها حساب جاری باز نماید

ماده پنجم - نظامنامه اجرای قانون انحصار تجاری خارجی بهقتضای مقررات این مواد از طرف هیئت دولت اصلاح و تکمیل و پس از اعلان بهوقع اجرا گذارده خواهد شد

ولیس - مذاکره در کلیات است. آقای دیبا

طباطبائی دیبا - در جلسه اسبق که مجلس رأی داد که این لایحه در شوری باشد البته برای این بود که در اطراف این لایحه چون اهمیت دارد مذاکرات زیاد شود.

از فراری که شنیده شد در کمیسیون اقتصاد ملی چندین ساعت در چندین جلسه مذاکرات شد آقای رئیس الوزراء و رئیس کل تجارت هم تشریف داشتند و توضیحات کامل هم داده اند و مذاکرات زیادی هم شده و آنچه که در خارج در فراکسیون معلوم شد نمایندگان محترم هم در اساس این لایحه اشکالی ندارند و مخالفتی هم نیست و لایحه باید بالاخره تصویب شود. هیئت دولت حاضر حقیقتاً طرف اعتماد و اطمینان است و در اطراف این قبیل قضایا هم البته تخصص دارند مخصوصاً آقای رئیس الوزراء و البته يك فکرهای صحیحی کرده اند و آنچه که بنده شنیده ام در خارج هم با بعضی از تجار مذاکرات شده این است که در اساس این لایحه چندان اشکالی نیست لکن بنده راجع باین لایحه يك تذکری داشتم و آن این است که در این لایحه بدولت اجازه داده میشود عمل تصدیق صدور را انجام دهد. ولی قیدی نشده تصدیق صدوری را که دولت خریداری میکند يك میزان معینی داشته باشد. در این لایحه که بنده مطالعه کردم تصریح شده تصدیق صدوری را که دولت از اول تا آخر سال خریداری میکند میزان و مبلغش چندر است ممکن است دولت از اول تا آخر سال يك تصدیق صدور های زیادی خریداری کند آنوقت تقاضا کمتر باشد و اسباب زحمت دولت بشود و این تصدیق صدورها بفروش نرسد و دولت باید در رأس سه ماه پول بدهند و این اسباب زحمت خواهد شد. این است که بنده عقیده ام این بود که این مسئله در نظر گرفته شود یا در خود لایحه يك

میزان معینی برای تصدیق صدور بعد از فکر و تأمل از طرف دولت معین شود که دولت مثلاً چقدر تصدیق صدور باید بدهد و چقدر خریداری بکند. مبلغش معین باشد تا اسباب زحمت نشود. در آن یک پول هائی داده و یک تصدیق صدور هائی خریداری نموده تقاضا هم کم شد. آنوقت اسباب زحمت دولت و مردم خواهد شد. چنانچه در فراکیون هم آقای رئیس الوزراء توضیح دادند تصدیق صدور چیز تجاری نیست یعنی مثل سایر اجناس بازاری نیست که یک قیمت معین و معلوم داشته باشد. مثلاً تصدیق صدور در اثر قانون تجارت تولید شد و آنهم نظر دولت این بود که تصدیق صدور یک قیمتی داشته باشد نظر مردم و بازار و تجار هم این بود ولی بعد از تصویب لایحه قانون انحصار تجارت غنائماً مثلاً تصدیق صدور تولید شد و حقیقتاً بازار را مشغول کرد اگر شخصی یک روز میرفت بازار در مغازه یا حجره تجار وارد میشد غیر از صحبت تصدیق صدور چندان چیزی نبود. بنده خود مکرر دیدم دلال صبح وارد شد ناچار گفت امروز تصدیق صدور چند است گفت این قیمت او گفت فلان قیمت بالاخره از صبح تا ظهر چند قیمت مختلف پیدا میکرد روز ناهام قیمت تصدیق صدور را موافق روز مثل سایر اجناس می نوشتند. مقصود این است اول این طور بود ولی بعد قیمت پیدا کرد اسباب زحمت شد این بود که بالاخره دولت خواست تمرکز بدهد و اصلاح نماید و روی صلاح امور اقتصادی این لایحه را برای تصویب تقدیم کرد این بود که بنده خواستم تذکر بدهم خوب است چنانچه عرض کردم در خود قانون یا در نظامنامه تصریح شود که چه مبلغ تصدیق صدور خریداری خواهد شد. برای این که مبادا یک وقت تصدیق صدور زیاد خریداری شود چون در لایحه بطور مطلق و مجمل همین قدر نوشته شده هرکس که تصدیق صدور را ارائه داد دولت مکلف است آنرا خریداری کند ممکن است یک اشخاصی تصدیق صدور را بیارند و ارائه بدهند دولت هم بموجب این قانون خریداری بکند آنوقت از حد لزوم بیشتر شود و این اسباب زحمت

چیت یا اینکه صادرات ما بیش از واردات است بنیه اقتصادی ما چندانی رضایت بخش نیست. مطالب دیگری هم مربوط باین لایحه داشتیم و آن این است که در این لایحه اشاره شده که دولت از منافع این معامله تصدیق صدور راجع به حمایت مصنوعات داخلی یک خرج هائی خواهد کرد. قانون انحصار تجارت که گذشت دولت یک اشیائی را ممنوعه قرار داد و یک اشیائی را غیر ممنوع. و چیز هائی را که تهیه اش در مملکت ممکن بود ممنوع قرار داد و این فکر خوبی بود که از مصنوعات داخلی حمایت کند ولی از یک طرف صاحبان مصنوعات و کارخانجات و ماشین های داخلی چندان دقت در استحکام و خوبی جنس ندارند و حقیقتاً امروز آقباں تمام مسبوقتند شخص جوراب را که از بازار میخرد آنچه در داخل تهیه میشود دیگر محتاج به شستن نیست در سه روز که انسان جوراب را پوشید پاره میشود. این را باید دولت یک توجهی بکند که مصنوعات داخلی با اینکه از خارجه جوراب وارد نمیشود اولاً یک جورری باشد که برای مردم زیاد گران نباشد و قیمتش هم مناسب. دولت باید در این کار یک نظارت و کنترل و توجهی داشته باشد. هر کسی میرود ماشینی می آورد و هر چه دلش میخواهد تهیه می کند بعد هم اسباب زحمت مردم میشود این هم یک عرض بنده بود. یکی هم این است حالا که این مسئله در قانون نیست اولاً در نظامنامه ذکر شود دولت این تصدیق صدوری که خریداری می کند تا سه ماه این را به موجب سند به مردم بدهد. چک بدهد مدت دار. مثلاً بنده که آدم صدربال تصدیق صدور می خواهم بفروشم برسانم این را دولت باید یک چک بدهد و عده دار تا من بتوانم رفع احتیاجات خودم را با آن بکنم. یکی از عرایض هم راجع به خرید تصدیق صدور از دست اول بود که عرض کردم و عقیده ام این است که در قانون باید تصریح شود که دولت از دست اول خریداری کند و الا باز در بازار همان اختلاف ها و اسباب زحمت ها هست.

رئیس الوزراء (آقای فروغی). در مسئله اولی که راجع به قیمت خرید و فروش فرمودند که باید معلوم باشد. اگر نوجه بفرماید به متن قانون در آنجا قید شده است که دولت باید هم قیمت خرید و هم قیمت فروش را قبلاً اعلان کند و تا مدت یکسال هم او را تغییر ندهد یعنی نه قیمت خرید تصدیق صدور را تنزل بدهد و نه قیمت فروش را ترفی بدهد. ذکر مقدار و میزان در قانون ممکن نبود و مصلحت نبود ولیکن این قید گذاشته شده است که اولاً در نظامنامه معین خواهد شد و به علاوه وقتی که دولت میخواهد این قانون را اجرا کند یکی از شرایطش این است که قبلاً قیمت خرید تصدیق صدور را اعلان کند. آنوقت مردم مطمئن خواهند شد که افلا تا یکسال قیمت تغییر نمیکند. اما اینکه فرمودند ممکن است دولت تصدیق صدور زیادی بخرد و این موجب تکراری است گمان میکنم مورد نداشته باشد زیرا هر قدر تصدیق صدور بدولت زیادتر فروخته شود ما راضی تریم بجهت اینکه دلالت میکند بر اینکه صادرات زیاد تر بوده وقتی که صادرات زیاد است کانی را که قانون بآنها حق داده که در مقابل این صادرات خودشان یعنی در مقابل این تصدیق صدور خودشان یک وجهی دریافت بکنند دیگر تبعیض نمی توانیم بکنیم و باید همه را بخریم و به علاوه ضرری ندارد. این آقا یک اشتباهی است برای بعضی دست میدهد و این را باید توضیح بدهم تا در این ضمن جواب قسمتی از فرمایش بعد آقا هم داده شود. یک اشتباهی برای بعضی دست داده که تصور می کنند ممکن است صادرات یک مملکتی زیاد بر وارداتی باشد این مسئله بطور موقت ممکن است اما بطور دائم ممکن نیست. معامله دولتها و ممالک با هم دیگر مثل معامله اشخاص است بلکه بهتر از معامله اشخاص است در اشخاص ممکن است یک وقت کسی پیدا شود که عایدی نداشته باشد و قرض کند و خرج کند اما در مملکت همیشه و ممکن نیست که مملکتی عایدی نداشته باشد و خرج کند یعنی چیزی بکسی بفروشد باشد و نداشته باشد

و از کسی چیزی بخرد. این مسئله به تجربه ثابت شده عرض کردم موقت میشود بطریق عادی یا فوق العاده. بطور فوق العاده در وقتی است که خدا نکرده يك مصیبت واقع شود و يك تملکتي مجبور میشود مثل يك شخصی قرضی بکند یعنی بی زمینه خرج کند. ولی وقتی که يك همچو امری واقع نموده باشد کمتر دیده شده که يك کسی جنسی بخرد و واردات داشته باشد در صورتیکه صادرات داشته باشد پس وارداتی که داشته باشیم دلیل بر این است که صادرات هم داریم. یا صادرات که داریم دلیل است که واردات هم داریم. اگر تصور بفرمائید صادرات داریم و در عوض واردات نداریم این نیست. پس تصدیق صدور ما بالاخره بفروش خواهد رفت و در مقابل آن جنس بالاخره وارد خواهند کرد. و برای واردات محتاج به تصدیق صدور خواهند بود. اما اینکه بفرمائید دولت فقط باید از دست اول بخرد برای اینکه باز مثل سابق کفنگوی خرید و فروش نباشد. البته تصور به موجب این قانون تا حد زیادی حاصل است. لکن بطور کلی نمی توان این را شرط کرد که دولت تصدیق صدور را از دست اول بخرد و دست دوم و سوم هیچ رسد. این يك امر طبیعی است و نمیشود و ضرر هم در این حدود ندارد. باین معنی این که ترقی و تنزل قیمت تصدیق صدور مضر است بحال مملکت این در حال حالیه است که قیمتش معلوم نیست زیرا ممکن است يك روز تومانی یکقران بفروش برود يك روز تومانی سی شاهی يك روز تومانی سه قران يك روز هم تومانی ده شاهی ولی وقتی که قیمت معین شد خریدار و فروشنده هم دولت بود که قبلاً قیمت را اعلام کرد و ثانیاً دولت مثل کاسب نمی تواند بیاید و تصدیق صدور را موضوع معامله تجارتی قرار بدهد و از این راه يك دخلی ببرد پس وقتی که تصدیق صدور هم قیمت خرید و هم فروش معین شد وقتی که مثلاً دولت بگوید و اعلام کند من تصدیق صدور را تومانی یکقران میخرم کسی که در دست داشت البته نمیرود تومانی ده شاهی بفروشد زیرا ضرر خودش

را که نمی خواهد و اشکال مرتفع میشود. زیادتر از بیزایی هم که دولت معین می کند که کسی از او نمیخرد بجهت اینکه فائده ندارد برای اینکه زیاد تر از میزان معین که خریدار نمیتواند بفروشد. پس باید دولت بفروشد. دیگری هم نمیتواند بخرد برای اینکه چنانچه عرض شد صرف نمیتواند بکند. فقط قایده تصدیق صدور این است که مجوز وارد کردن است کسی که میخواهد جنس را وارد کند تصدیق صدور را از دولت باید بخرد و اگر از مردم بخرد معتبر نیست يك ورقه کاغذ که بنده بدهم دست کسی نموده ندارد. پس هر کسی که تصدیق صدور بخواند بخرد برای وارد کردن جنس باید بروی پیش دولت و دولت هم بيك قیمت معینی باو بفروشد و از آن بالا تر نمیفروشد. پس صاحبان تصدیق صدور میدانند که از آن بالا تر نباید بخرد و بخر خودشان هم راضی میشوند در این صورت چه باقی می ماند؟ فقط این باقی است که بنده جنسی وارد کرده ام و تصدیق صدور را در دست دارم اما بيك علتی از علت ها (که علت هم ممکن است متعدد باشد) خودم نمی خواهم شخصا بروم در مرکز که معین شده برای فروش تصدیق صدور و او را بفروشم بنده که این حق را داشته ام ایا میشود بعنوان اینکه خودم شخصاً ترفته ام این حق را از بنده منع کرد؟ بنده برفیتم میگویم آقا شما که تشریف میبرید بازار زحمت بکشید و این تصدیق صدور را برای من بفروشید و پولش را بیاورید. (اگر - از ولایات چطور) از ولایات هم همینطور. يك قرض دیگر هم هست و آن این است که مثلاً من الان پول لازم دارم و شخصی هم دم دست من هست که حاضر است از مبلغی که دولت میخرد يك چیزی مثلاً یکشاهی کسر کند و پولش را نقد بدهد. این قسم امور واقع میشود ولی چه ضرر دارد اگر مصلحت من در این باشد که تصدیق صدوری که در دست دارم تو مانی بیست شاهی یکشاهی کمتر از روز بفروشم و پولش را نقد بگیرم این بیست و کارگشایی است برای مردم اگر منع کنید اسباب اشکال میشود. مسئله دیگر که فرمودند چه شده در صورتیکه صادرات

مانظر میآید از واردات مابیشتر است معذک بعبارة اخیری بازار کساد است. جواب این مطلب را در عرایض قبل يك قدری توضیح دادم. بنده هیچوقت نمیتوانم این مطلب را تصور کنم که صادرات ما از واردات خیلی زیاد تر است ممکن است يك روز يك ماه يك هفته این طور باشد و کمتر وارد شده باشد زیرا مسئله صادرات و واردات بسته است به ترتیب جریان کار دنیا. التزامی نیست بر این که تا يك جنس بیرون رفت در عوض هم فوری يك جنس وارد شود یا تا يك جنس داخل شد يك جنس هم بیرون رود. پس ممکن است گاهی صادرات بر واردات غلبه کند و گاهی واردات بر صادرات. اما بطور کلی مجموع صادرات از واردات زیاد تر باشد آنهم بيك مبلغ معنایی تصور نمیکنم ملاحظه بفرمائید حالا بازار کساد است. این نه از برای این است که صادرات بر واردات اضافه است. این از باب این است که مجموع صادرات و واردات اصلاح است و علت عمده اش هم بحران دنیا است این بحران دنیا که متأسفانه چندین سال است دنیا را مبتلا کرده در ههالك دیگر هم خیلی زحمت وارد آورده است ولی در مملکت ما بواسطه مقتضیاتی که میخواهم الان شرح بدهم بحران کمتر تاثیر داشته معذک بحران تجارت اقتصادی دنیا سبب شده که مجموعاً در دنیا بازار تجارت کساد شده من جمله بازار تجارت ما. پنج سال دو سال پیش ما زیاد میفروشیم و گران امروز کم میفروشیم و ارزان. اما نه این است که صادرات ما از واردات کمتر است یا بر عکس این مسئله بآن مربوط نیست. اما مطالبی که فرمودند راجع باجناسی که دولت منع میکند دولت به دو نظر بعضی اجناس را منع میکند يك نظر که کمتر مهم است (اگر چه بعضی باشباه تصور میکنند خیلی مهم است) این است که بعضی اجناس اصلاً لازم نیست وارد این مملکت شود مثلاً اشیاء نجهل و تقنی بیفایده که برای مردم مضر است. دولت از برای رعایت احوال مردم و يك اندازه هم از روی حقیقت ورود يك اجناسی را

منع میکند و میگوید ما نمیخواهیم این اجناس به مملکت ما وارد شود. ولی نظر اعظم و مهمتر این است که دولت يك اجناسی را منع میکند برای خاطر اینکه در مملکت خودمان نظر آن اجناس را نمیتوانیم بسازیم و فراهم کنیم. چون اگر از خارجه وارد شود رقابت شود و کسانی که در داخله آن محصولات را فراهم میکنند ضرر میکنند و دولت در واقع برای حمایت صنایع داخلی تهیه کنندگان داخلی ورود آن اجناس را منع میکند. ولی همان طور که فرمودند البته دولت این حمایت و رعایت را از صنعتگران داخل خواهد کرد بشرط اینکه آنها هم رعایت احوال مردم را بکنند نه تنها بنده این جا و حالا این عرض را میکنم به کسانی که به بنده مراجعه کرده اند در این مدتی که بنده سر کار هستم و مکرر از بنده تقاضا میکردند که ما از صنایع داخلی حمایت کنیم بانها همیشه بنده سراحتاً گفته و نوشته ام که: ما این حمایت را حالا نمیتوانیم اما بدانید که دولت مراقب شما خواهد بود و اگر جنس را بد درست کنید یا گران بفروشید بطور بی انصافی آنوقت دست حمایت دولت از سر شما برداشته میشود. و آنوقت است که با اصلاً جلوش را میگیریم و مجبور میکنیم باینکه جنس را بطور مخصوصی تهیه کنید و بیزان معینی هم بفروشید یا اگر از عهده این کار بر نیامدیم آنوقت آزاد میکنیم از خارجه بیاید و آن رفتی را که حالا شما از آن می ترسید و دولت می خواهد بوسیله آن شما را نگاهدارد مرتفع میشود. مذاقته مطالبی که فرمودید صحیح است و خیلی از مردم در مملکت این کار را می کنند و تمیذاند ملتفت نیستند این اصل کلی را که رواج تجارت و ترقی تجارت و منفعت کاسب و صنعتگر و تهیه کنندنده در این است که خوب تهیه کنند و ارزان بفروشند و تمام دنیا دنبال این کار میروند ولی در مملکت ما این مسئله را اهمیت نمیدهند و غافل هستند ولی وقتی که مردم خودشان این کار را نکنند دولت مجبور میشود که يك اقدامی بکند و همان طور که عرض کردم مجبور خواهیم کرد کسانی را که جنس بد تهیه می کنند

یا گران میفروشند که خوب تهیه کنند و بقیمت عادی بفروشند یا اگر نشد و دیدیم مشکل است در را باز میکنیم که اجناس وارد شود و رقابت بکند و این آقایان ضرر میدهند تا این که متوجه شوند. مسئله دیگر را که فرمودند که تصدیق صدور را خریدند و دولت نقد نخرید وسیله از برای مردم فراهم کنیم که بتوانند او را نقد کنند این منظور نظر دولت بوده است در کمیسیون مذاکره شد و در عمل يك تریبی خواهیم داد که کسانی که محتاج پول هستند بیک وسیله بتوانند تصدیق صدور را بفروشند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کاشف - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

کاشف - يك توضیحاتی بنده لازم میدانم که در اطراف تصدیق صدور نظریاتی که هست مذاکره شود و در کمیسیون هم مورد نظر واقع نشد اگر اجازه بفرمائید بعرض برسانم

رئیس - آقایان بیکه مذاکره در کلیات را کافی میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است. رأی میگیریم برود در مواد آقایان بیکه موافقت دارند قیام فرمایند. (عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - فقره (ج) از ماده ششم قانون اصلاح قانون انحصار تجارت مورخه ۱۹ فروردین ۱۳۱۱ بطریق ذیل اصلاح میشود:

ج - داران گران تصدیق صدور که بخواهند آنها را بفروش برسانند باید قبل از انقضای مدت قانونی تصدیق صدور که يك سال است بدولت بفروشند و دولت مکلف است بمحض ارائه بقیمت معین و بوعده که از سه ماه تجاوز نکند خریداری نماید این قیمت را دولت اعلان میکند و قبل از انقضای مدت بکساک لا اقل نباید قیمت آنرا کسر نماید.

این تشریفات قانون باز ممکن است مدتی بجا بماند کمیسیون سعی خواهد کرد که این قانون زودتر در پیش بگذرد و در این مدت سهمیه بسته است و بسته شدن سهمیه مصرف کننده و واردات را بکفدری در سهمیه خواهد گذارد بنده خواستم تقاضا کنم از آقای رئیس الوزرا که بفرمایند که ممکن باشد زودتر این سهمیه را باز کنند که مردم از حیث واردات در مضیقه نباشد همین چند روزی که سهمیه بسته شده اجناس بدون دلیل ترفی کرده است و دلیل ندارد فقط دلایل بسته بودن سهمیه است. این يك قسمت. قسمت دیگر که در خارج هم عرض کردم موضوع مبادله تجارتي ما با مالک است این را بنده باز بکدفه دیگر تذکر دادم یعنی میکنم این موضوع را در نظر بگیرید موضوع بهبودی صادرات امروز تنها کافی برای از دبای صادرات نیست برای اینکه خیلی از مالک جاری صادرات ما را گرفته اند با يك قوانین و مقرراتی جاری صادرات ما را گرفته اند این است که بنده خواستم تمنا کنم که دولت ایران هم روی همین اصل معامله متقابل با همه رفتار کند.

مخبر کمیسیون اقتصاد ملی (طهرانی) - راجع به قسمتی که فرمودند راجع بانقضای مدت تصدیق صدور هائیکه در این مدت از نقطه نظر اعلام شدن کنترتزان و تعطیل سهمیه مدت قانونی آنها منقضی میشود البته این قسمت را پیشنهاد بفرمائید و نظر دولت هم این است که بکسی در این قسمت ضرری وارد نباشد و در کمیسیون این پیشنهاد مورد مطالعه واقع میشود. قسمت دیگر که معنی تصدیق صدور را فرمودند و فرمودند تصدیق صدور چه معنی دارد خیلی تشکر میکنم از ایشان که معنی فرمودند معنی تصدیق صدور معلوم بود. قسمت دیگر راجع بمضیقه واردات بود که فرمودند این چند روز ها که کنترتزان اعلام شده واردات بمضیقه اقتاده و اجناس ترفی کرده است در صورتیکه اینطور نیست زیرا که در این مملکت اجناس وارداتی زیاد است و در سال گذشته هم خودشان سایر

آقایان اطلاع دارند بانقضاء کالی واردات باین مملکت وارد شد که این چند روزی هیچگونه مضیقه برای مردم از واردات فراهم نخواهد شد و ترفی هم در قیمت ها پیدا نشده. قسمت سوم راجع بمبادله با مالک فرمودند البته این موضوعات موضوعاتی است که دولت خودتی در نظر دارد و تمام این قضایا که فرمودند دولت خیلی بیشتر از ایشان باین قضایا مطلع است و البته همیشه تحت مطالعه مورد دقت دولت هست و در موقع خودش وسائل لازمه اتخاذ خواهد شد.

رئیس - آقای احتشامزاده.

احتشامزاده - عرض ندارم.

رئیس - آقای طهرانی.

طهرانی - عرض کنم بنده البته به حسن نیت آقای رئیس الوزرا کاملاً اطمینان دارم و میدانم که در این قضیه مطالعه شده است و يك لایحه که با مطالعات و مذاکرات زیادی که در کمیسیون شده است با مطالعه اطراف و جوانب بمجلس آمده است فقط يك تذکرانی میخواستم حضورشان عرض کنم یکی این است راجع به تصدیق صدور قبل از این که قانونی شود و دولت لایحه در این خصوص بمجلس بیاورد و دولت يك قیمتی برای آن معین بکند و بخرد و بفرشد البته این يك اوراقی بها داری نبود يك اوراقی بود در دست مردم و اگر يك روزی تمیخریدند و تمیخره خفتند اصل خود تصدیق صدور برایش يك اعتباری نبود ولی وقتی قانونی شد و قیمت قانونی پیدا کرد این اوراقی بهادار میشود اوراقی بهادار مثل فرض بفرمائید سهام شرکتها یا بعضی چیزهایی که راجع به بانک است نیست و حالا که این تصدیق صدور برایش قیمت معین شد بایستی يك اعتبار وضعیت محکمی داشته باشد بنده فقط نظرم این بود که این قسمت را ایشان فکر کرده اند و توجه دارند و باز خواستم که این مسئله در مجلس هم مذاکره شود که برای اعتبار دادن باین اوراقی يك تریبانی دولت در نظر دارد و يك اقدائی

خواهد کرد که مردم دیگر هم در خارج مستحضر شوند که مثل سابق است که بهر ترقی که بخواهند تصدیق صدور بگیرند نمیشود برای این که ممکن است يك تصدیق صدورهای تقابلی يك تصدیق صدور هائی باشد بدون این که در مقابلش جنس صادر شده باشد و چون دولت این قسمتها را مسبوق است و باید این را بخرد و پول بدهد البته این را میخواستم عرض کنم که رعایت شود نکته دیگر که میخواستم عرض کنم راجع صادرات است راجع صادرات بنده از خبلی بیشتر شاید خبلی مدت است که این فکر را داشتم قبل از اینکه قانون انحصار تجارت بیاید همیشه نظرم این بود که خوب است دولت يك رفعی در بودجه پیش بینی کند و مخصوصاً به صادرات از بودجه دولت جایزه بدهد قبل از جنگ عمومی و در حین جنگ عمومی همسایه های شمالی جنس را که بایران وارد میکردند يك جوائزی میدادند و به تجار صادر کننده يك وجوه میدادند که جنس آنها را صادر کنند این يك نظر خوبی است که بعضی دول دیگر هم دارند بنابر این بنده همیشه عقیده ام این بود که دولت رفعی در بودجه برای تشویق صادرات داشته باشد خوب اگر این اعتبار را دولت نمیتوانست است در بودجه اش بگذارد حالا که تصدیق صدور پیدا شده است از این راه يك فواید و عایداتی که حاصل میشود این مسئله خبلی خوبی است که آنرا جایزه بدهد به صادر کننده و صادرات را از این محل تشویق کند و قسمتی را که خودشان متذکر بودند فرمودند راجع به بهبودی صادرات یکی از مسائل فوق العاده مهم است و يك وقتی هم بنده این جا عرض کردم که خوب است يك قانونی وضع شود که هر صادر کننده يك نمونه نشان بدهد که اگر خارج از نمونه جنس صادر کرد آنرا بدتر یا ریخته و آتش بزنند برای اینکه او متنبه شود و مطابق نمونه که میدهد جنس صادر نکند نه اینکه دویس يك جور و وسطش يك جور و آخرش يك جور باشد و این صدمه فوق العاده به صادرات ملکت میزند و اگر در تهیه

کردن جنس صادراتی يك دقت کافی بشود آن جنس را همه جا و همه کس میخرد.
رئیس الوزراء - برای قسمت اول که فرمودند باین که خوب است دولت يك تصدیقاتی اتخاذ کند که اعتبار تصدیق صدور و اطمینان مردم حاصل بشود البته صحیح است و این ترتیبات را دولت در نظر دارد و در کبسون هم مذاکره شد بهر حال دولت مسئول خواهد بود و مسئول خریداری تصدیق صدور ها خواهد بود به آن قیمتی که خودش اعلان خواهد کرد و گمان میکنم تا کنون هم دولت مسئولیت مالی خودش را از دست نداده و اعتبار آنرا هیچوقت از بین نخواهد برد پس بنابر این مردم میتوانند مطمئن باشند که این تصدیق صدور ها بآن قیمتی که دولت اعلان خواهد کرد خریده خواهد شد اما در قسمت دوم بنده لازم میدانم که این را بگفتم توضیح بدهم که مسلم نیست که این ترتیب جایزه دادن به صادرات يك ترتیب صحیح باشد بنده میدانم بعضی از مالک بعضی از دولتها این کار را کرده اند که از برای این که صادرات خودشان را زیاد کنند يك جوائزی میدادند گاهی اوقات دولت ما هم ممکن است که این کار را بکنند میدانم خواهد کرد با خیرولی تصور نمیکتم که این دولت بالاخره این را يك ترتیب صحیح و خوب بداند که برای صادرات جایزه معلوم کند و این تصدیق صدور هم که حالا بفروشی مربوط همانطور که آقای کاشف تذکر دادند اشتباه است بر مردم که جایزه است از برای صادرات جایزه نیست و حالا اگر يك عادت نشده بود از برای مردم که تصدیق صدور را يك ورقه بها داری منظور دارند شاید دولت ترجیح میداد که اصلاً تصدیق صدور قیمتیه نداشته باشد ولی اگر میخواستیم این کار را بکنیم با عادتیه که از برای مردم در این کار پیدا شده است يك ضررهائی به مردم وارد میآورد ولی اساساً تصدیق صدور قیمتیه جایزه است برای صادرات و نه مسلم دارم بنده که بهترین وجه تشویق

صادرات این است که دولت به آنها جایزه بدهد ولی ملاحظه فرموده اید در همین قانون در ماده چهارم قید شده است که عایداتی که برای دولت حاصل میشود از تفاوت خرید و فروش تصدیق صدور مساعدت خواهد شد باشناسی که در ترویج صادرات و ترقی صادرات کار میکنند و زحمت میکنند حالا این بجهه طریق باشد طرق مختلف دارد مثلاً کسانی که وسائل فراهم میآورند برای ترویج اجناس یا برای بهبودی اجناس صادراتی یا برای ازدیاد صادرات ما یا آنها یک مساعدتهائی خواهیم کرد حالا بطور داده خواهد شد این را بعد در نظر خواهیم گرفت که یا مشاوره اهل اطلاع این کار را بکنیم و بعد اعلان میکنیم ملاحظه خواهد فرمود که بجهه طرفی است يك طریق هم نیست طریقهای مختلف خواهد بود که اتخاذ خواهیم کرد که صادرات ما بهبودی پیدا کند و ترقی پیدا کند ولیکن این ترتیب جایزه دادن را بنده موافق نیستم و اگر هم کردیم موقتی و جزئی خواهد بود و نباید نظر این باشد که دولت صادر کنندگان را جایزه بدهد ولی وسائلی برای تشویق صدور از هر طریق که بتوانیم اتخاذ خواهیم کرد.

چند نفر از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - بنظر بنده مقتضی این است که آقایانی که اعضاء کبسون اقتصاد هستند اجازه بدهند که سایرین که عضو کبسون نیستند در مجلس صحبت کنند که نظریات آنها هم گفته شود زیرا ما اطلاع داریم چندین جلسه وقت آقای رئیس الوزراء مصروف کبسون بوده آقایان اعضاء کبسون همه صحبت کرده اند پس خوب است دیگران را هم اجازه داده شود که نظریات خودشان را عرض کنند زیرا که این لایحه باز هم به کبسون مراجعه میشود و آقایان ممکن است نظریات خودشان را در آنجا عرض کنند بنده میخواستم يك موضوعی را عرض کنم که آقای رئیس الوزراء در پایان مذاکراتشان اشاره فرمودند و آن موضوع صادرات بود که يك قسمت از محصولات

داخلی ما را البته اطلاع دارند که وضعیت چندین رقم از محصولات ما در این دوسه ساله اخیر چندان صورت خوبی ندارد از قبیل خشکبار که خود بنده در آن قسمت ولایت ثلاث که بودم اطلاع دارم همین طور در قسمت مراغه در قسمت فرش و بعضی چیزهای دیگر هم همینطور حالا که این لایحه با این ترتیب آمده است موقع است که با نظریاتی که داریم بعرض هیئت دولت برسانیم برای این که بیشتر از گذشته نسبت باین قسمت توجه کنند بنده تصور میکنم اگر حمایت زیاد تری نسبت ببعضی محصولات که سابقاً يك قلم بزرگی از صادرات را تشکیل می داد نشود این محصولات همینطور که حالا نكس پیدا کرده بکلی از جزء صادرات ما خارج میشود در صورتیکه در گذشته اگر باحصائیه مراجعه کنید لایحه آقای رئیس کل تجارت احصائیه را دیده اند که سابقاً صادرات این اقلام خیلی زیاد بود و حالا کم کم دارد از بین میرود و این محصولات ترقی نخواهد کرد مگر آن که دولت حقیقه حمایت کند بنده هم حقیقه با عقیده آقای رئیس الوزراء موافقم که مسئله جایزه دادن صادر کننده خوب است و تأثیر زیادی نمیکند بلکه باید يك حمایت دیگری یک حمایت اساسی دولت باین چند رقم از محصولات داخلی ما داشته باشد همانطور که در سایر نقاط بنده شنیده ام که در سایر ملل نظری در کنتراوان اجرا کرده اند که در مقابل ورود بعضی اجناس صدور يك اجناس معینی را در نظر گرفته اند فرض کنید در مقابل ورود فرش و آنکسی که فرش وارد میکند میتواند اجناس معینی را صادر کند بنده تصور میکنم که این يك نظر اساسی است و قابل این است که مطالعه شود و توجهی بفرمائید و الا سال گذشته در ولایات ثلاث که همه ساله قریب بانصد ششصد هزار تومان پول برای خشکبار می آوردند باور فرمائید که این اواخر ده هزار تومان خشکبار صادر شده همینطور در مراغه همینطور در جای دیگر مسئله فرش عراقی و ملایر هم حقیقه صورت خوبی ندارد و چندین

سال است که خریداری نمیشود اینها کم کم وقتیکه خریدار نداشت و مورد توجه واقع شد بآن تهیه کنندہ خیلی صدمہ خواهد خورد و خوشبختانہ ہیئت دولت تمام جزئیات را توجه دارد و بندہ در این موقع لازم دانستم کہ این تذکرات را عرض کنم کہ بہ بینم آن نظری کہ در مادہ چهار پیش بینی شدہ است بلکہ در آن جایک فکر اساسی برای این کار بفرمایند و الا اگر باین کیفیت پیش برویم چندین رقم از صادرات ما کہ خیلی مهم بودہ است نکس پیدا خواهد کرد و در نتیجہ تأثیر در وضعیت اقتصادی مملکت پیدا میشود برای اینکه فرض بفرمایید تریاک کہ یک قلم بزرگ عایدات ما بودہ است کہ خوشبختانہ دولت یک اقدامی کرد و خریداری میکند اگرچہ یک قیمت نازلی دارد ولی باز ہم یک چیزی است و خریداری میشود و اگر این اقدام را دولت نمیکرد الآن محصول تریاک در دست زارع بود و بندہ خیال میکنم کہ این لایحہ صرفاً همان جنبہ تصدیق صدور را ندارد کہ آقایان مذاکرہ میکنند بلکہ باید در این موقع کہ این لایحہ تقدیم مجلس شدہ است یک تذکراتی داد کہ در این قسمت صادرات همانطور کہ در سایر نقاط توجہ پیدا کردہ اند یک توجہ بیشتری داشته باشند و بالاخرہ این نکته ہم گفته شد کہ التکالیف عمومی ہم متوجہ شود کہ دولت متوجہ این مسئلہ هست و در آتیہ یک فکر اساسی و اقدامی کہ مقتضی است خواهد کرد.

مخبر - مطلبی را کہ نمایندہ محترم فرمودند راجع بہ حمایت بیشتری از صادرات کردن بندہ تصور میکنم کہ این لایحہ از برای آن مقصود آمدہ یکیش تثبیت تصدیق صدور بود کہ ترقی و تنزل آن برای صادرات مملکت ضرر بود قسمت دیگری کہ فرمودند راجع بہ اینکه تصدیق صدور جایزہ نیست و همانطور کہ آقای رئیس الوزراء ہم فرمودند تصدیق صدور جایزہ نیست و یک دلالتی ہم این است کہ اگر بنا بود بعنوان جایزہ دادہ شود بطور مساوی کہ تمام اجناس جایزہ دادہ نمیشود و هیچ جای دنیا یک چنین چیزی نیست کہ تمام اجناس بطور مساوی جایزہ دادہ شود بعضی اجناس یک جایزہ دارد ولی یک قسمت

دیگر اجناس دادہ نمیشود همانطور کہ فرمودند بعضی از اقلام هست کہ بواسطہ تنزل های بیشتری در بازار خارجہ عیناج بہ مساعدت های بیشتری است و در مادہ چهار همین قسمت منظور ایشان منظور دولت بودہ و کاملاً تحت نظر گرفته شدہ است برای اینکه آنچه نوشته شدہ است عایداتی کہ از تفاوت قیمت خرید و فروش تصدیق های صدور برای دولت حاصل میشود منحصرأ بمصارف ناشیہ از مقررات این قانون و مساعدت باشخاص و مؤسساتی کہ موجبات ترقی و رواج اجناس صادراتی مملکت را فراهم می آورند خواهد رسید. البتہ این قسمت هم کہ بعضی از اجناس کہ بیشتر باید مورد حمایت واقع شود و بعضی کمتر این بطور قطع مورد توجہ خواهد بود و از برای این مقصود این لایحہ آمدہ است کہ بآن اجناس کہ باید کمک شود کمک بیشتری بآنها خواهد شد و اگر هم لازم باشد بعنوان جایزہ هم ممکن است دادہ شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرہ کافی است.

دکتر طاهری - بندہ مخالفم.

رئیس - بفرمایید.

دکتر طاهری - بندہ یک نکته را خواستم بعرض برسانم کہ آقای رئیس الوزراء توضیح بفرمایند و آن نکته مفیدی است بعقیدہ خودم و رفع گرفتاری از بعضی اشخاص میکند و اگر آقایان اجازه بدهند عرض کنم (بعضی از نمایندگان - بفرمائید) در قانون ۱۹ فور در آن قانون مدت اعتبار تصدیق صدور را یکسال تعیین کردہ بدیہی است مقصود از یکسال این است کہ صاحب تصدیق صدور بتواند از آن تصدیق صدور استفاده کند یعنی باختیارش باشد چنانچہ اجباراً از اختیار او خارج شد مثلاً عدلیہ توقیف کرد آنوقت مدتی کہ از اختیارش خارج بودہ بجهاتی توقیف کرد آنوقت مدتی کہ از اختیارش خارج بودہ و توقیف شدہ آنرا نمیشود جزہ یکسال حساب کرد و البتہ این مطلب واضحی است ولی چون تصریح نشده بود بندہ موقع را مقتضی دانستم کہ این مطلب را بعرض برسانم

و تشریح شود کہ اگر از اختیار آن دارنده تصدیق صدور خارج باشد مثلاً عدلیہ توقیف کرد و بعد مرخص کرد و یکسال گذشت این معنی ندارد و مقصود از اینکه یکسال باشد یعنی بتواند یکسال ارزش استفاده کند این موضوع بود کہ خواستم عرض کنم.

رئیس الوزراء - در سابق اتفاق افتادہ است یکی دو مورد کہ یک اشخاصی بواسطہ توقیف عدلیہ و امثال او سلب اختیارشان شدہ است از تصدیق صدور و توانستہ اند در مدت قانونی از آن استفاده کنند ولیکن چنانکہ آقای دکتر طاهری مسیون هستند دولت وسائل قانونی پیدا کرد برای اینکه آن اشخاص هم متضرر نشوند و حالا کہ خریدار تصدیق صدور منحصرأ خود دولت است البتہ این کار سهلتر هم خواهد بود و این مسلم است کہ وقتی عدلیہ توقیف کرد تصدیق صدور یک کسی را جزہ اموال او البتہ اینجا سلب اختیار او را کردہ است نسبت بتصدیق صدور و البتہ این مسئلہ رعایت خواهد شد و جای نگرانی نیست ولی این یک چیزی نیست کہ ما بتوانیم در قانون بنویسیم.

رئیس - پیشنهادات فرائض میشود:

پیشنهاد آقای کاشف

اینجناب تبصرہ بہ مادہ یک پیشنهاد مینماید:

تبصرہ - تصدیق صدور حالتی کہ از ۲۱ خرداد سال جاری الی موقع باز شدن سهمیہ مدت آنها منقضی شدہ است باعتبار خود باقی خواهد بود.

رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای شریعت زاده بود کہ نزد آقای رئیس الوزراء فرستادہ اند

رئیس الوزراء - پیشنهاد آقای شریعت زاده راجع بہ یک مطلب اساسی دیگری است اگر باید یک همچو چیزی باشد ممکن است ایشان پیشنهاد خودشان را بکفندی بیشتر بسط بدهند و بہ ہیئت دولت بفرستند و ہیئت دولت تحت نظر بگیرد و بہ بینم چه باید کرد و الا بعضی از این مواد الان مجری است بموجب قوانین حالیه و بعضی از این مواد بکلی اساس قانون را تغییر میدهد و مربوط بہ این

لایحہ نمیشود این لایحہ فقط در قسمت تصدیق صدور و تمرکز خرید و فروش آن است آنچه راجع است باینکہ ما اساساً ترتیب کنونی را چطور بدیم و چیزهای دیگر مطالبی است علیحدہ و بیشتر مطالعه لازم دارد ہم ہیئت دولت باید بیشتر مطالعه کند و ہم مجلس شورای ملی و الان در جزہ این قانون نمیشود جا داد و منظور داشت رئیس (خطاب بہ آقای شریعت زاده) - ممکن است با آقا مشورت بکنید کہ اگر صلاح باشد بعد مورد شور واقع شود.

۴- تقدیم یک فقرہ لایحہ از طرف آقای وزیر عدلیہ | رئیس - آقای وزیر عدلیہ فرمایشی داشتند

وزیر عدلیہ (آقای صدر) - لایحہ ایست بندہ تقدیم میکنم کہ بہ کمیسیون رجوع شود.

۵- جنبہ شور لایحہ اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی | رئیس - مادہ دوم قرائت میشود:

مادہ دوم - فقرہ (ب) از مادہ ششم قانون فوق الذکر بطریق ذیل اصلاح میشود:

- ۱ - برای اجناس ذیل تصدیق صدور دادہ نخواهد شد
- ۱ - مواد نفتی.
- ۲ - محصولات شیلات.
- ۳ - نمک پست و جواهرات و فیروزہ.
- ۴ - اشیاء عتیقہ و عتیقہ نما.
- ۵ - پردہ های نقاشی اعم از روغنی و آب و رنگ.
- ۶ - مازوج.
- ۷ - کتب اعم از خطی و چاپی و سایر مطبوعات.

رئیس - آقای افسر -
السر - در این مستثنیاتی کہ اینجا ذیل شدہ اند بندہ دلیل چند تا از آنها را هیچ ملتفت نشدم. یکی راجع بہ فیروزہ است فیروزہ یکی از جواهراتی است کہ میتوان گفت منحصر بایران است زیرا کہ فیروزہ کہ در مصر بود و در آمریکا بود خریداری نداشت فقط فیروزہ کہ خوب بود در ایران بود و ناچند سال پیش خیلی خریدار داشت و بازارهای خوب در مسکو و وین داشت و در عربستان و هندوستان هم

بازارهای عمومی داشت بازار فیروزه در این چند سال اخیر البته از آن عمومی خودش کاملاً بواسطه اینکه آن مراکز هم بود که برای فیروزه بود بواسطه چارگیری از اجناس تجلی و امثال آن قدری از خرید فیروزه صرف نظر کردند و بازار آن دروین و مسکو پیشرفت نکرد و منحصر شد به فیروزه هائی که به هندوستان میرند یا به مکه برای جاوه ها و هرساله در حدود هشتاد هزار تومان صد هزار تومان بتفاوت سنوات خارج میشد ولی از تیر ۱۳۰۹ وقتی که اجاره خاتمه یافت و دولت تعطیل کرد استخراج معدن را یعنی جهت مزایده يك اعلان هائی کرد و مزایده سه برابر اجاره قبل بود مستأجر پیدا نشد و همینطور مکرر کردند بالاخره تا امروز بحال تعطیل است و فقط چند روز پیش گویا شروع کرده اند و سالی صد هزار تومان در این چهار ساله برآمد نرسید و چهار هزار نفر هم که در معدن بودند و اطراف معدن کارشان عملکی و کارگری بود و فیروزه تراشی میکردند قسمتی از آنها از دست رفتند و بعضی ها آمدند در معادن دیگر کار کردند و مردند و بالاخره دلیل آفتابان این است که فیروزه را تقویم نمیتوانند بکنند. این دلیل غربی است هر چیز دیگر هم همینطور است اولاً فیروزه منحصر بخراسان است لازم نیست در کمرک کسی باشد ممکن است در يك بلوکی مقوم بگذارند در خود مشهد که همیشه این معامله در کار بوده است يك مقوم هائی دارند که صد هزار فیروزه را پیششان بگذارند وقتی که اینها قیمت بکنند با يك کسی که در خارج تقویم بکند بالاخره مگر نیم عشر فرق داشته باشد و اگر خیره باشد آن عطای است هر جنسی را که اهل خیره انی قیمت بکنند ممکن است برت بگویند اگر نظر این است که قیمتش را نمیدانند و ممکن است قیمتش را زیاد بگویند و تصدیق صدور را از توازن صادرات و واردات بپردازد الان خروج فیروزه فقط از زاهدان است حالا اگر از جای دیگر هم هست ممکن است منحصر بکنند بان راه و اگر کسی از جای دیگر داشته فرستد از راه زاهدان و آنجا هم مقوم باشد مشهد

هم تقویم هست تقویم بکنند اگر اشکال این است که قابل رفع است و اگر اشکال دیگری است بفرمایند که بعد بنده عرض کنم چون بنده شنیده ام دلیل این است در این صورت نباید بیخود برودم ضرر بخورد و هیچ دلیل ندارم که در مقابل فیروزه که در ایران است تصدیق صدور ندهیم چون فیروزه زیاد در ایران مصرف ندارد یعنی اگر در آفتاب بماند آن آب آبی که در فیروزه هست کم کم بالا میآید و خراب می شود همینطور در جای مرطوب فیروزه بیست سال سی سال قبل بکلی از اعتبار می افتد چه دلیل دارد که در ایران باقی بماند پس هر فریبی که ما اینها را خارج کنیم خوب است اگر دلیل دیگری دارد بفرمایند که بنده متقاعد شوم چون عرض کردم بنده این دلیل را شنیده ام يك مقوم بگذارید در سرحد یا در مشهد همانطور که معاملات دیگر در جریان است این هم جریان داشته باشد و مقوم فیروزه هم کران نیست که چندین هزار تومان تحویل بر دولت شود ماهی بیست تومان ممکن است بيك کسی بدهند در خود مشهد هم ممکن است کمرک این کار را بکنند چندین نفر مقوم هست بهر کسی اعتماد دارند رجوع کنند تا در باب کتابهای چاپی بنده نمیدانم چه عیب دارد خیلی از کتابهاست که در این مملکت چاپ میشود ولی در این مملکت هزار نفر مشغول ندارد چه بهتر از این است که به هندوستان برود چنانچه از آنجا میآید چه ضرر دارد که کتابی که اینجا چاپ میکنیم و مصرف نداریم هزار نسخه اش را بیرون بفرستیم و در مقابل آن تصدیق صدور بدهیم با اینکه کاغذ کران است و همه چیز طبع کران است بنده نمیدانم دلیل تصدیق صدور ندادن بکتاب برای چیست این را هم استثنا میکنید. راجع به پرده های روغنی و نقاشی اگر قسمت عتیقه است که قبل مقایسه نیست البته این را نباید گذاشت برود اما بيك کسی چیز نو میسازد و معارف هم جواز نو میدهد چه عیب دارد این یکی از مصنوعات است بيك چیزی که قنای میآید دوست تومان قیمت میکند و نو است چه

اشکالی دارد برود البته اگر بيك چیز هائی باشد که قابل تقابل باشد باید آنها را مستثنی کرد و در خصوص فیروزه هم بنده هیچ دلیلی نمی بینم و عقیده بنده این است که فیروزه باید تصدیق صدورش داده شود و استثنا باشد همچنین راجع بتابلو نقاشی و کتابهای چاپی اما راجع بشمبر پست باز بنده ندانم تعبیر پست چه تعبیر کرده این هم مثل سایر چیزهاست تعبیری که اینجا باطل میشود اگر ببرند در خارج و فروش برود مثل چیزهای دیگر چه علت دارد که استثنا کرده اند این چیز هائی که بنده عرض کردم دلیل آنها را نمیدانم ممکن است آقای رئیس تجارت توضیح بدهند تعبیر پست را بنده اطلاعات کافی ندارم ولی راجع به فیروزه اطلاعات کافی دارم و همینطور کتاب چاپی لذا این را مطابق عدالت نمیدانم و دلیل ندارد که همه چیز خارج شود ولی فیروزه بماند.

مخبر که میگوید اقتصاد - راجع بقسمت فیروزه که فرمودند دلیل این است که مقوم خوب نمیتواند قیمت بکند اینها بطور قبست بيك دلیل این است که خودشان فرمودند چون این مال بيك مالی است که منحصر بایران است و اگر از آن نظر میفرمایند که ما تصدیق بکنیم از این راه که تصدیق صدور بدهیم خوب بيك مالی که منحصر شد بایران باید از ما خریداری بکنند و جای دیگر نیست که مورد رقابت سایر دول باشد چه علت دارد که ما بيك چیز دستنی بدهیم برای تشویق خودشان فرمودند که این بيك متاعی است منحصر بایران و هر کسی لازم داشته باشد بخرد دیگر این محتاج باینکه چیز دستنی بدهیم نیست تصدیق صدور برای چیست این کاغذ بتنهائی چه قیمتی دارد چون همانطور که گفته شد مقصود از تصدیق صدور جایزه بوده ولی عجله که شده و قیمت پیدا کرده الان که حضرت عالی میفرمایند برای چه نمیدهند از این نظر میفرمایند که بيك قسمتی از این بابش صادر کنند او بیاید در این صورت وقتی فرمودند این بيك متاعی است منحصر وقتی که ما محتاج بقوانین اقتصادی شدیم یعنی بيك بحران اقتصادی در

دنیا گرفت و بالاخره بيك تنگ بین هائی در دنیا پیدا شد و متاعهای دنیا را بخرند که تمام دنیا مجبور شد بقوانین اقتصادی وضع کردند وقتی بيك همچو بحرانی آمد ما محتاج شدیم که تصدیق صدور بگذاریم و قیمت پیدا کرد اما درین موضوع که میفرمایند چون خودتان میفرمایید منحصر بایران است (اگر - در بهر و امریکا هم هست) و اگر هم جاهای دیگر هست باین خوبی نیست پس در حکم این است که این جنس منحصر است و البته دیگر هیچ مورد ندارد که ما دیگر چیزی باو دستنی بدهیم و در مقابل او وارد کنیم گذشته از اینکه فرمودند مقوم این قسم سهل المونه هستند و باینست توان ممکن است دولت آنها را استخدام کند بيك مقوم بیست تومانی چطور میشود بهش اطلاع بمان داشت که سنگ خرده را قیمت بکند ممکن است بيك مقوم و سایر بیست تومانی بيك فیروزه را که قیمتش پنج تومان است چند هزار تومان قیمت بکند و حالا از قراری که بنده اطلاع دارم خدمتان عرض میکنم قبل از اینکه دنیا وارد بحران اقتصادی شود و ما هم وارد این قوانین انحصار تجارت بشویم این حال خریداری میشد و نود هزار رطل صادرات بیشتر نداشته است (اگر - خیلی بیش از این است یا حصابی کمرکی رجوع کنید) و بر اثر وضع این قانون انحصار تقریباً بيك میلیون رطل رسیده نه این است که مقدارش زیاد شده یا طایش زیادتر شده در دنیا پس چه شده برای این بوده است که میرند و قیمت زیاد میکنند در مقابل تصدیق صدور میگیرند و بعد از آن طرف میریزند دور و از تصدیق صدور آن استفاده میکنند این بيك قیمت بزرگی نداشته در تجارت مملکت فقط یکسال برای استفاده که از این تصدیق صدور میشود است که صادرات را بخرج مملکت بیاورند و فایده ببرند به این مبلغ رسیده و با بيك مقوم بیست تومانی نمی شود این اوراق بپردازد را با اختیار آنها گذاشت مقومهای کوچک نمیتوانند بروند آنجا قیمت بکنند. راجع بکتابهای چاپی قانون مخصوصی هست در خصوص معاقبت مطبوعات و کتابها

در قسمت ورود و همین دفاع را بنده اینجا خواهم کرد که کتابهای چاپی که مورد لزوم است و از مملکت خارج میشود و اشخاص عالم از او استفاده میکنند آنها بپردازند چه جایزه داشته باشد چه نداشته باشد و آقدر چیزهایی نیست همانطور قانون معافیت دارد در مقابل واردات و قانون گذشت که معاف است چون از همین نوع متاع است و وارد میشود این هم از آن جهت است یکی دیگر هم راجع به پرده های نقاشی این چیزی نیست که بشود از برای او قیمتی معین کرد و مورد هم ندارد مثل این که دیده شده است قبل از اینکه قانون انحصار وضع شود اینها صادراتی نداشته است در مملکت و بعد از وضع قانون انحصار فقط از نظر استفاده تصدیق صدور يك قلم بزرگی و تشکیل داده که خودشان هم تصدیق بگیرند که ضرر است بحال مملکت دلائل هم این بوده است آنها آن چیزی که فرمودند نبوده است.

رئیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - اجناسی را که تصدیق صدور برایش

قائل نشده اند بعضی از آنها علل و فلسفه اش بمعین بنده روشن است و بیان فرمودند و یکی دو قلم را میخواستم عرض کنم یکی مسئله اشیاء عتیقه است و یکی هم همین پرده نقاشی است موضوع مهمتو بمعین بنده اشیاء عتیقه است این يك موضوعی است تقریباً نظری و بنده سالها است که میبینم دو نظر مختلف در اطراف این مسئله اظهار میشود بعضی عقیده دارند که اشیاء عتیقه و آثار ملی ایران در ایران نگاه داشته شود و حتی الاحتمال از خارج کردن آنها ممنوع شود و بعضی دیگر هم شاید عقیده دارند که این آثار ایران برود و زینت بخش خانه ها و موزه های دنیا شده و ایران را بومه جا معرفی کنند و بالاخره مقداری هم پول بیارند چون موضوع نظری است و بمعین بنده باید بگرفتم مورد بحث و مطالعه واقع شود بنده از موقع استفاده کردم و خواستم نظر خودم را عرض کنم بنده يك نظری دارم مابین این دو نظر عقیده دارم که

خواهند فرمود. راجع بآن قسمتی که حضرت والا شاهزاده افسر تذکر فرمودند مسئله نقاشی ایران نقاشی قدیم که خیلی اهمیت دارد کم است و اگر بخواهند مینیاتورهای قدیم را پیدا میکنند گویا باید در موزه های خارج وقت و در خود مملکت کم است ولی نقاشیهای جدید و مینیاتورهای جدید را که این اواخر معمول شده و زیاد میخرند و مخصوصاً بیشتر در استهوان درست میکنند و الآن هم در دکاهای طهران خیلی از این چیزها هست و يك قلم از صادرات ما را تشکیل میدهد بنده دلیلی نمی بینم از برای اینکه وقتی يك برنج یا يك سی قلم زده باشد ما تصدیق صدور را برای او قائل نشویم.

رئیس الوزرا - این صحبتها که میشود همین است که باز درست کیفیت و حقیقت تصدیق صدور در ذهن بعضی از آقایان آقاوری که باید باشد نیست بنده در ضمن عرضم عرض کردم که اگر عیب نداشت ضرر وارد نمیشد مخصوصاً لطافه صادرات وارد نمیشد ما اساساً تصدیق صدور را قیمت برایش معین نمیکردیم اینکه در اینجا گفته شده است برای این اجناس تصدیق صدور داده نخواهد شد این يك قدیمی است برای آن اصل که بنده عرض کردم یعنی بمباره آخری تصدیق صدور قیمت ندارد اگر بخواهند بدهیم اما قیمت برای آن تصدیق معین نمیکند بجهت اینکه اصل باید این باشد که تصدیق صدور قیمت نداشته باشد اینکه تصدیق صدور ها را امروز مقرر میداریم که دولت بخرد این يك خروج از اصل و علتش هم همان است که عرض کردم که اگر امروز یک مرتبه قرار بگذاریم که تصدیق صدور بگوریم هیچ قیمت نداشته باشد بکفایتی مردم ضرر وارد میآید و صادرات ما مخصوصاً که حیثیت لازم دارد ضرر وارد میآید و الا اصل این است که تصدیق صدور قیمت نداشته باشد حالا که این طور شده ما دو چیز را در نظر میگیریم دو علت را و دو دلیل را و بآن دو دلیل بعضی از تصدیق صدور ها را بلاقیمت قرار میدهیم یعنی بعضی از صادرات را بگوریم

تصدیق صدور در باره اش نمیدهیم آن دو چیز یکی این است که این جنس جنسی است که عمل حاجت يك اشخاصی در خارجه هست مشتری دارد حاجت هم لازم نیست حاجت مادی باشد حاجت معنوی هم هست جواهر است امروزه است يك اشخاص دوست دارند پرده نقاشی را يك اشخاصی دوست دارند عتیقات را يك اشخاصی دوست دارند این هم يك حاجتی می شود باصطلاح مرغوبیتی برای جنس هست و در هر صورت صادر خواهد شد مادامی که يك اشخاصی هم طالب فیروزه اند يك اشخاصی دوستدار پرده نقاشی هستند يك اشخاصی دوستدار عتیقات هستند وقتی که بنده بخرد آنکس که میبرد آنجا از فروش آن جنس بقدر کفایت دخل و منفعت میکند چه دلیل دارد که از فروش آن جنس يك پولی هم از دولت بگیرد این فلسفه است. کتاب را میفرماید این همچو بنظر آمد که مثلاً کتاب را تصدیق صدور که ندادیم یا فیروزه را یا عتیقه را مقصودمان این بوده است که جاوگیری کنیم (افسر - خیر) یا اینکه تشویق نکنیم. خیر علت این است که کتاب فارسی يك خریدار هائی در خارجه دارد دولت پول دسی هم بدهد از برای او خریداری زیاد نمیشود جایزه هم قرار ندهد پول دسی هم که ندهد آن اندازه بفروش میرود دیگر چه فلسفه دارد که برای خاطر این کتابی که بدبختانه عدد معدودی در خارجه این کتابها را لازم دارند و میخرند آن کسی که تجارت خودش را این قرار میدهد و میفروشد و فایده میدهد يك پولی هم بدهیم (افسر - بیشتر میدهند) خیر مشتری زیادتر پیدا نمیکند آن عدد اشخاصی که در خارجه کتاب فارسی را خریدار هستند اگر قیمتش ارزان شود زیادتر نمیخرند کتاب فارسی يك چیز عمل حاجتی نیست مثلاً پارچه مثل لباس و میز و صندلی و اینها يك چیز هائی است که اگر کران شد مردم نمیخرند اگر ارزان شد میخرند بنابر این مصلحت در این است که حتی الامکان اینها ارزان بشود ولی کتاب يك چیزی است

که اینها برای یک نظر عینی میخرند البته اگر
یک کتاب بگویم را پنججاه تومان بخرند که
میخرند اما در آن حدود معمول و قیمت عاقله خودی
که باشد میخرند دیگر دسی لازم نیست چیزی بدهیم که
بفرمایند ارزانتر شد بیشتر میخرند در داخله اینطور هست
در داخله هر چه جنس ارزان شود و کتاب فارسی ارزان
باشد فروشش زیاد تر میشود ولی در خارجه این طور
نیست نسبت به بیرون بطریق اولی نسبت به بیرون همینطور
میآیم سر دلیل دوم که مربوط به بیفجاعت و بیروزه است
و آن این است که علاوه بر اینکه اینها یک حمایت
خاصی لازم ندارد و بالطبع فروش هرود در یک حد
معینی و اگر امروز حمایتی کردیم فرقی نمیکند و فروشش
زیاد نمیشود علاوه بر این یک عیبی در کار هست و آن در
میزان تقویم است که خیلی اشکال پیش میآید یک جنسی
را بنده میبیرم و میگویم این عقیقه است عقیقه هست ولی
قیمتش معلوم نیست برای اینکه چه بیار اتفاق افتاده
است که یک کاشی شکسته را که اگر بدست آدم معمولی
میدادند چیزی نمیخرند بسند تومان فروخته اند خوب
عقیقه فروش که میآید میگوید این کاشی راست است که
پیش شما صورت ظاهر دهشاهی قیمت ندارد ولی در خارجه
من این را هزار تومان میفروشم و هزار تومان قیمت
میگذارد و میخرود هزار تومان تصدیق صدور بگیرد
وقتی که هزار تومان تصدیق صدور بهش بدهیم اسمش
عقیقه میشود مثل اینکه در باب فروش هم این مسئله هست
این شبهه حاصل شده که وقتی ما میگوییم اشیاء عقیقه
و عقیقه نما فروش هم همین جل را دارد و جل این است که
اینطور نیست اگر یک قرشی را بعنوان اینکه مثلاً یک
روز نادر شاه رویش نقشه است ولو اینکه قرش فرعی
بیست تومانی است ولی بگویند بیست تومان قیمت دارد
البته این را جزء عقیقت می آوریم ولی وقتی قرش را
به قیمت حقیقی خودش تقویم کنند البته مثل سایر
مال التجاره های متعارفی است و تصدیق صدور هم دارد

و میفروشد حالا عقیقه همینطور است کتاب را میگویند کثرت
است این کتاب بر حسب ظاهر یک تومان قیمتش است
ولی چون جزو اشیاء عقیقه است و میبیرم صد تومان میفروشم
باید صد تومان تصدیق صدور بدهید ولی ما این را صد تومان
تصدیق صدور بهش نمیدهیم پس در باب عقیقات و عقیقه نما
نظر این است و اما آنچه ذکر میفرمایید چه ضرر دارد که
بعضی اشیاء عقیقه نما بخارجه برود و مال التجاره شده و باین
ملک پول بیارود در صورتیکه لازم نباشد که در ملک
ما باقی بماند البته صحیح است و همان دلیل است که در
قانون گذاشتیم که کسانی که عقیقه جات پیدا میکنند در
خفیات و اینها یک سهمی هم بخودشان داده میشود و اجازه
خارج کردن هم بهشان داده میشود و اما این موضوع
دیگری است که یک کسی بیاید و یک جنسی را زحمت بکشد
کار کند اسباب فراهم بیارود یک جنسی که مال التجاره
بود مال التجاره بشود چیزی را که صادرات نتواند
صادرات پیدا کند این را همین قانون بما وسیله میدهد
که ما تقویم کنیم نه بصورت تصدیق صدور یک کسی
فرض بفرمایید یک کتانی چاپ کند بعد معلوم شود که
این کتاب در خارجه مقدار زیادی فروش میرود این
مال التجاره شد برای این ملک این علاوه بر اینکه
اعتباری باعتبار ملک افزود یک مال التجاره هم بر
مال التجاره این ملک افزود البته دولت از آن عملی که
دارد یک جایزه باو خواهد داد و یا او مساعدت میکند
این بجای خود راجع به پرده نقاشی پرده نقاشی ما را
در خارجه نمیخرند حاجت ندارند مگر آن نقاشیهایی که
عقیقه باشد این آن قیدی که عرض کردم دارد اما اگر
کسی آمد و یک جنسی صادر کرد و مرغوبیت فوق العاده
پیدا کرد و ما بدهیم یک چیزی که سابق بر این صدوری
نداشت و بیرون بیرفت حالا در سال ده هزار تومان صادر
میشود آنوقت ما این آدم را باید تقویم کنیم از همین راه
نه از آن راه که تصدیق صدور بهش بدهیم که این مناسب
و مفاد را هم داشته باشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادها فراتر میشود:
پیشنهاد آقای امیر
پیشنهاد میکنم برای بیروزه هم تصدیق صدور داده شود
ایشاً پیشنهاد آقای امیر
پیشنهاد میکنم برای پرده نقاشی هم تصدیق صدور داده شود
پیشنهاد دیگر آقای امیر
پیشنهاد میکنم برای کتابهای چاپی هم تصدیق صدور داده شود
پیشنهاد دیگر آقای امیر
پیشنهاد میکنم برای تصدیق صدور داده شود
پیشنهاد آقای امیر به صورت کلی
بنده پیشنهاد میکنم در قسمت ۳ فقره ج ماده ۲ بیروزه
حذف شود
پیشنهاد آقای کاشف
اینجانب تبصره ذیل را بنامه دو پیشنهاد مینماید
تبصره - ورود کتب اعم از خطی و چاپی از تصدیق
صدور معاف خواهد بود
پیشنهاد دیگر آقای کاشف
اینجانب پیشنهاد مینماید که عبارت عقیقه نما به ایم
عقیقه تبدیل گردد
پیشنهاد آقای دکتر ملک زاده
پیشنهاد می کنم قسمت چهارم پنج از ماده دوم حذف شود
رئیس - ماده سوم:
ماده سوم - باخر ماده هشتم قانون سابق الذکر یک
فقره اضافه میشود باین مضمون:
ح - تصدیق صدوری که وارد کنندگان باید برطبق
فقره (ب) از این ماده بدرخواست خود منضم نمایند از
دولت خریداری خواهند کرد قیمت فروش تصدیق صدور
را دولت قبلاً باید اعلام نماید و در طرف مدت یکسال
لا اقل باید قیمت آنرا اضافه نماید
مدت اعتبار قانونی تصدیق صدور پس از خریداری دولت
قاعده خواهد بود

بصره - در صورتی که دولت بخواهد پس از مدت
یکسال قیمت خرید و یا فروش تصدیق صدور را تغییر دهد
مکلف است سه ماه قبل مظاره را اعلام نماید
رئیس - ماده چهارم فراتر میشود:
ماده چهارم - عایداتی که از تفاوت قیمت خرید و
فروش تصدیقهای صدور برای دولت حاصل میشود منحصر
بمسارف ناشیه از مقررات این قانون و مساعدت باشخاص
و مؤسسهائی که وجوبات ترفی و رواج اجناس صادراتی
ملکت را فراهم میآورند خواهد رسید
ترتیب اقدامات برای حصول این منظور در نظامنامه
جداگانه که هیئت دولت تنظیم خواهد نمود معین شده و
قبلاً با اطلاع عامه خواهد رسید
دولت میتواند باعتبار عایدات زبور با بانکها حساب
جاری باز نماید
رئیس - اشکالی نیست - ماده پنجم فراتر میشود:
ماده پنجم - نظامنامه اجرای قانون انحصار تجارت
خارجی به مقتضای مقررات این مواد از طرف هیئت
دولت اصلاح و تکمیل و پس از اعلان به موقع اجرا گذارده
خواهد شد
رئیس - اشکالی نیست - آقای وکیل
میرزا علیخان و کلبی - بنده پیشنهاد میکنم که ماده
پنج حذف شود و از روز تصویب قانون به موقع اجرا
گذارده شود
رئیس - شور اول است - پیشنهاد را بنویسید در کپه - چون
مذاکره میشود - رای میگیریم برای ورود در شور دوم
آقایانیکه با ورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند
قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد
(۶- نهمین موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
رئیس - اگر اجازه می فرمایید جلسه را ختم کنیم
(صحیح است) جلسه آینده سه شنبه نوزدهم تیر ماه
سه ساعت قبل از ظهر دستور شور ثانی همین لایحه
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر